

آیا تشکیلات بسیج دانشجویی

اسلامی است؟

پان ترکسم نقابه که افتاد.



نشریه دانشجویی نبض دانشجو | شماره ۳ | فرودین ماه ۱۴۰۳

پلکان

تحلیل جامع

سریال معاویه از

چهار منظر کلیدی

بهار ۱۴۰۳
مارس ۲۰۲۵
رمضان ۱۴۴۶



محور مقاومت در کجای تحولات جهانی ایستاده است؟
آیا امکان اشاعه و گسترش جبهه مقاومت وجود دارد؟

۵ مقاومت

شکوفایی اقتصادی چین

۶ شکوفایی

سطوح استعمار

۷ سطوح

آیا تشکیلات بسیج دانشجویی اسلامی است؟

۸ بسیج

پان ترکیسم نقابی که افتاد.

۹ پان ترکیسم

نظام حقوقی جهان
غرب و اسلام

۱۰ نظام

منظومه؛ نگاهی متفاوت به
بسیج دانشجویی

۱۱ میدان

راهکارهای خلاقانه برای
برون رفت اقتصاد ایران
اسلامی؛ از ظرفیت‌های بومی
تا دیپلماتی فعال

۱۲ راهکار

منابع رسیدگی قضایی در ادیان
ابراهیمی
(یهودیت مسیحیت و اسلام)

۱۳ عدلیه

مکاتب سیاسی

۱۴ مکاتب

تحلیل جامع سریال معاویه از
چهار منظر کلیدی

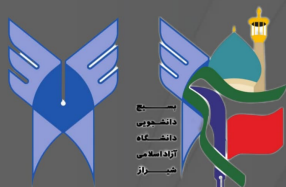
۱۵ پلان

فهرست
مطالب
نشریه

• صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز
مدیر مسئول: امیر حسین زارع
• سردبیر: بنیامین ظاهرپور

• نویسندگان: بنیامین ظاهرپور، علی خضراب لیراوی، سمانه نصیریان، اسما محمدی،
داوود اسدی، احمد جعفری، سجاد محمدی کشکولی، مهدی رحیمی، ابوالفضل
نگین تاجی، حسین افزری

• هیئت تحریریه: امیرحسین زارع، محمد پناهی، بنیامین ظاهرپور، مهدی رحیمی،
ابوالفضل نگین تاجی



ویژه نامه نشریه بسیج
دانشجویی دانشگاه آزاد شیراز

نبض دانشجوی

شماره ۳ | خردادین ماه ۱۴۰۳

سرمایه‌گذاری برای تولید سال ۱۴۰۴

شعار امسال رهبر معظم انقلاب، «سرمایه‌گذاری برای تولید»، همچون چراغ راهی است که مسیر پیشرفت اقتصادی کشور را روشن می‌کند. این عبارت ساده اما پرمفهوم، نشان‌دهنده‌ی جایگاهی است که تولید ملی و رونق اقتصادی در توسعه‌ی کشور دارند. برای دانشجویان، این شعار دعوتی است به اندیشیدن، خلاقیت و به‌کارگیری دانش، تا از یک نسل مصرف‌کننده، به نسل تولیدکننده‌ای تبدیل شوند که موتور حرکت جامعه را به جلو می‌برند. این شعار به شکلی آشکار دو بخش کلیدی اقتصاد، یعنی سرمایه‌گذاری و تولید را هدف قرار می‌دهد. دانشجویان، به‌عنوان نیروهای جوان و پویا، می‌توانند با تمرکز بر این دو مفهوم، سهمی بزرگ در تحقق اهداف ملی ایفا کنند. شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» می‌تواند به عنوان یک نقشه راه برای دانشجویان در مسیر ساختن آینده‌ای روشن‌تر تلقی شود. این شعار نه فقط یک هدف ملی، بلکه فرصتی برای دانشجویان است تا نقش خود را در حرکت به سوی رونق اقتصادی و تولید ملی تعریف کنند. نسل دانشجو با ذهن‌های باز و پویای خود می‌تواند فراتر از نقش مصرف‌کننده، به تولیدکننده‌ای خلاق و مؤثر تبدیل شود. دانشجویان به جای انتظار برای موقعیت‌های از پیش آماده، می‌توانند خودشان مسیرهای جدید ایجاد کنند. یکی از گام‌های مؤثر می‌تواند راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان باشد، جایی که دانش به محصول یا خدماتی تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، همکاری با مراکز پژوهشی و صنعتی این امکان را فراهم می‌کند که ایده‌های نوآورانه به تولید واقعی پیوند بخورد و منجر به رشد صنعت شود. برای ورود به این مسیر، تقویت مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، بازاریابی، مدیریت پروژه و فناوری‌های نوین ضروری است. دانشجویان می‌توانند از دوره‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی بهره ببرند تا به توانمندی‌های خود اضافه کنند. همچنین، تشکیل گروه‌های دانشجویی برای سرمایه‌گذاری جمعی و اجرای پروژه‌های کوچک می‌تواند بستری برای رشد و تجربه واقعی فراهم آورد. این شعار، یک یادآوری است که خلاقیت و تلاش فردی می‌تواند به تغییرات بزرگ اجتماعی منجر شود. دانشجویان، با جسارت، خلاقیت و تلاش، می‌توانند آینده‌ای رقم بزنند که نه فقط برای خودشان، بلکه برای کشورشان درخشان و افتخارآمیز باشد. حرکت امروز، سازنده‌ی فردای ایران است. این مسیر، مسیری است که هر گامش می‌تواند گره‌ای از مشکلات باز کند و چرخه‌ی از تولید را به حرکت درآورد. تلاش امروز، تصویری پرغرور از ایران سربلند و پیشرو در جهان خواهد ساخت؛ جایی که هر گامشان پژواکی از ایمان به توانایی‌های ملی و عشق به میهن است.





استعمار جنوب شرق آسیا بنیامین ظاهر پور

دانشجو

استعمار درد مشترکی میان تمام ملت‌ها است. پدیده دهشتناکی که توسط اروپاییان برای جهانیان به ارمغان آورده شد.

کشور باز شد. پرتغال از قبل برای جلوگیری از رسیدن دیگر کشتی‌های اروپایی بر تنگه‌های مهم منطقه جنوب شرق آسیا تسلط یافته بود مثل تنگه مالاکا! اما این کشتی انگلیسی که توانسته بود کره زمین را دور بزند و از تنگه ماژلان در جنوب آرژانتین خود را به سواحل ژاپن برساند کاملاً برآوردهای پرتغالی‌ها را به هم ریخت. کاپیتان این کشتی انگلیسی ویلیام آدامز توانست با دمیدن بر اختلافات مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها و همچنین قانع نمودن شوکان ژاپن «توکوگاوا ایه یاسو» بنادر ژاپن را به روی پرتغالی‌ها ببندد.

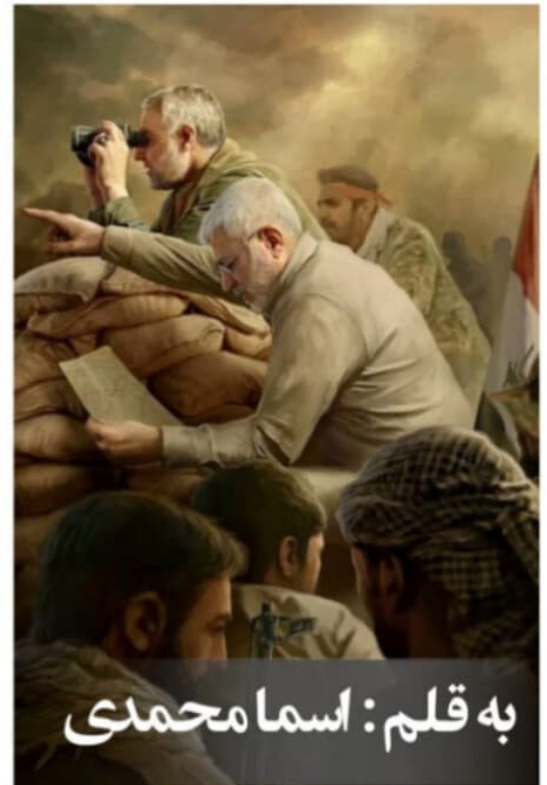
البته شایان ذکر است که در این دوره خیل عظیمی از مردمان ژاپن مسیحی شده بودند و سامورایی‌ها از ترس از بین رفتن ارزش‌های خود حضور پرتغالی‌ها در بنادر خود را متوقف کردند و بعدها تمام کشتی‌های تجاری اروپایی از حضور در بنادر ژاپن منع شدند. پس از آن اقبال پرتغالی‌ها به سیاهی گرایید و کمپانی هند شرقی تمامی مملکت‌های پرتغال را در جنوب شرق آسیا در خود بلعید و استعمار به شکل ظالمانه تری تداوم یافت. انگلیس کالای چندانی برای عرضه کردن در بازارهای جنوب شرق آسیا نداشت از این رو به فکر تجارت تریاک افتاد و کشت خشخاش در هند به سرعت گسترش یافت و حجم عظیمی از تریاک وارد کشورهای جنوب شرق آسیا و به خصوص چین شد. برای انگلیس اهمیتی نداشت که عرضه این کالا چه اثر سوء بر ملت‌ها می‌گذارد تنها چیزی که برای استعمارگر پیر مهم بود وابسته کردن ملت‌ها به خود برای تجارت پر سود بود. دولت چین به یکباره متوجه گسترش اعتیاد در کشور خود شد و ورود این کالا به چین را ممنوع کرد و تمام تریاک‌های موجود در بنادر را آتش زد.

اما انگلیس از این تجارت پر سود به راحتی صرف نظر نمی‌کرد. بنابراین جنگ اول تریاک با بمباران بنادر چینی آغاز شد و انگلیس پیمانی را بر چین تحمیل نمود که مفاد آن کاهش عوارض ماخوذه بر کشتی‌های انگلیسی، آزاد شدن ورود تریاک به چین، واگذار شدن حاکمیت هنگ کنگ به انگلیس و مصونیت قضایی برای شهروندان انگلیسی شد. باید توجه کرد کشوری به این قرار داد ننگین تن داده که در آن روز قدرت بزرگ شرق آسیا به حساب می‌آمد. دیگر ملت‌های بی‌دفاع به راحتی در استعمار بلعیده شدند. حقیقت استعمار این است که بنیان‌گذاران آن و دنبال کنندگان آن اروپایی‌ها هستند و امروز شکل جدیدی از آن توسط آمریکا دنبال می‌شود.

در طول بیش از چهار صد سال در تمام جهان تسری یافت و منابع ملت‌ها را به غارت گرفت. پرتغال را می‌توان پیشگام استعمار در اروپا دانست. پرتغالی‌ها با سعی انجام گرفته توسط مسلمانان آندلس فنون کشتی‌سازی را آموختند و با بهره‌گیری از نقشه‌ها و نوشته‌های سیاحان و جهان‌گردان مسلمانی همچون محمد ادریسی اکتشافات سرزمینی را آغاز کردند. با هدف دست یافتن به تجارت ادویه که آرزوی دیرین اروپا و دریانوردان پرتغالی بود و برای نخستین بار دریانورد واسکو دوگاما توانست به آن دست یابد. واسکو دوگاما با عبور از دماغه امید نیک از جنوبی‌ترین نقطه آفریقا گذشت و به هند راه یافت. این کشف بزرگ سرآغازی بر هجوم اروپاییان به شرق شد. پرتغالی‌ها به سرعت تجارت ادویه با هند را آغاز نمودند و ادویه‌جات متخلف مانند فلفل، داروچین، جوز هندی و میخک را به اروپا رساندند و پول خوبی را برای توسعه این تجارت به دست آوردند. اما چیزی نگذشت که این مسیر تجاری پنهان شده از دیگر کشورها توسط رقیب پرتغال، اسپانیا نیز کشف شد و این دو قدرت دریایی اروپا در مقابل یکدیگر قرار گرفتند، با میانجی‌گری پاپ وقت الکساندر ششم پیمانی میان اسپانیا و پرتغال منعقد شد به نام پیمان تقسیم سرزمینی «تُرْدسیاس» که طبق این پیمان دو طرف جزیره کیپ ورد را معیار قرار می‌دهند و بر مبنای آن تمام سرزمین‌های شرقی این جزیره به پرتغال می‌رسد و سرزمین‌های غرب جزیره به حاکمیت اسپانیا در می‌آید. استعمار این گونه است؛ قدرت‌ها بدون آن‌که حاکمیت دیگر ملت‌ها را به رسمیت بشناسند و مصالح آن‌ها را در نظر بگیرند برای استثمار آن‌ها نقشه می‌کشند. پرتغالی‌ها با آزمندی و افزون‌طلبی به سرعت به کشف سرزمین‌های شرق آسیا ادامه دادند و تجارت کثیفی را آغاز نمودند. آن‌ها ماکائو را به پایگاه اصلی استعماری خود در سراسر جنوب شرق آسیا تبدیل کردند و با ژاپن وارد مراودات تجاری شدند. تجارت آن‌ها، تجارت برده بود. ژاپن که تازه از جنگ با کره بازگشته بود، اسرای کره‌ای را به عنوان برده به پرتغالی‌ها می‌فروخت. پرتغال به معنای واقعی در مدت زمان کمی پادشاهی استعماری خود را در جنوب شرق آسیا بنا نمود. پرتغال تنها به وابستگی تجاری کشورها اکتفا نکرد و برای تأثیر فرهنگی گذاشتن بر ملت‌های منطقه تعالیم مسیحیت کاتولیک را با گماردن مبلغین و کشیش‌های کاتولیک آغاز کرد و جوامعی از مردمان جنوب شرق آسیا را مسیحی نمود. پرتغال در اوج سامان امور به سر می‌برد که سر و کله‌ی دیگر قدرت‌های اروپایی به حوضه استعماری این



شکل‌گیری محور مقاومت را نمی‌توانیم حاصل یک رویداد خاص یا اتفاق ناگهانی قلمداد کنیم بلکه این جبهه‌ها ریشه در تحولات تاریخی و سیاسی منطقه دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری محور مقاومت، ایجاد رژیم صهیونیستی و به دنبال آن جنگ‌های متوالی میان کشورهای عربی و اسرائیل بوده است. اشغال سرزمین‌های فلسطین و بیرون راندن مردم و پیامدهای آن باعث شد که مقاومت در برابر اسرائیل به تدریج به یکی از محورهای اصلی منطقه تبدیل شود و جنبش‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی، از دل همین مبارزات شکل گرفتند. یکی دیگر از نقاط عطف در شکل‌گیری محور مقاومت، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که با شعارهای مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفین سخنی جدید در منطقه به میان آورد. پس از انقلاب، ایران حمایت گسترده‌ای از گروه‌های مقاومت به عمل آورد که یکی از نمونه‌های بارز آن، حزب‌الله لبنان بود که در واکنش به اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲ شکل گرفت. اشغال عراق توسط آمریکا، زمینه جدیدی برای شکل‌گیری گروه‌های مقاومت فراهم کرد و در واکنش به حضور نیروهای خارجی و نا امنی‌ها گروه‌های مختلفی شکل گرفتند که مهم‌ترین آنها حشد الشعبی بود. این نیروها در ابتدا برای مقابله با داعش و دفاع از مقدسات شیعه در عراق شکل گرفتند؛ اما به مرور به یکی از ارکان اصلی مقاومت در عراق تبدیل شد و نقش مهمی در ایستادگی در برابر اشغالگران ایفا کرد. تحولات سوریه و یمن هم زمینه را برای ایجاد محورهای دیگر مقاومت فراهم کرد. بحران سوریه در ۲۰۱۱ صحنه‌ای تازه گشود تا گروه‌های وابسته به این محور در کنار دولت سوریه قرار بگیرند تا از فروپاشی آن جلوگیری کنند. سوریه هم نقش حمایتی از گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حماس داشته است. در یمن هم با ظهور جنبش انصار الله و مقابله آن با ائتلاف تحت رهبری عربستان، جبهه دیگری در محور مقاومت شکل گرفت و در برابر مداخلات نیروهای یمنی با تکیه بر اراده مردمی و مقابله با نفوذ خارجی در برابر فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایستادگی کردند. محور مقاومت طی سال‌های گذشته توانسته با افزایش حضور نظامی و نقش آفرینی سیاسی در کشورهای مختلف نفوذ خود را گسترش دهد. این حضور علاوه بر ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی محور مقاومت را به یک عامل تاثیرگذار در معادلات منطقه تبدیل کرده است. یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی این محور روند عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل بوده که به نزدیکی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با اسرائیل انجامید و در مقابل گروه‌های مقاومت با افزایش عملیات‌های نظامی و امنیتی در فلسطین و تقویت شبکه ارتباطی خود با نیروهای مبارز در کرانه باختری سعی در ایجاد بازدارندگی و نشان دادن واکنش عملی نسبت به این تحولات داشته‌اند. آمریکا و برخی از کشورهای غربی با اعمال تحریم‌ها و حمایت از گروه‌های مخالف مقاومت به ویژه حمایت از گروه جبهه النصره تحت رهبری ابومحمد الجولانی که موجب تشدید بحران‌ها و نابودی زیرساخت‌های سوریه شده است، سعی در تضعیف جایگاه این جریان دارند. علاوه بر آن اسرائیل بارها با انجام حملات هوایی به مواضع محور مقاومت و ترور فرماندهان کلیدی و هدف قرار دادن کاروان‌های تسلیحاتی و پایگاه‌های زی‌زمینی محور مقاومت به دنبال ممانعت از تقویت جایگاه مقاومت است. از ویژگی‌های وضعیت کنونی محور مقاومت تغییر در شیوه‌های مبارزه است که این محور با بهره‌گیری از جنگ‌های نامتقارن، حملات پنهانی و عملیات سایبری به دنبال افزایش هزینه‌های درگیری برای دشمنان و تغییر قواعد بازی در میدان نبرد است. با این حال تغییر موازنه قدرت و تحولات سیاسی پیش رو، مسیر آینده‌ی آن را به چالشی پیچیده تبدیل کرده است. در کشورهای فلسطین، عراق و یمن محور مقاومت به عنوان نماد ایستادگی و در برابر اشغالگری شناخته می‌شود و ناکارآمدی دولت‌های مرکزی در برخی کشورهای منطقه فضای مناسبی برای رشد گروه‌های همسو با محور مقاومت فراهم کرده است. در اردن به دلیل فشارهای اقتصادی، نارضایتی از عادی‌سازی روابط با اسرائیل و حمایت از رژیم صهیونیستی گرایش به جریان مقاومت در حال افزایش است. در کرانه باختری با افزایش شهرک‌سازی‌ها و تشدید فشارهای امنیتی از سوی اسرائیل زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های جدید مقاومت بیش از گذشته فراهم است. همچنین در لیبی شرایط ناپایمان، خلأ قدرت و تداوم درگیری‌های داخلی فرصتی را برای گروه‌های همسو با مقاومت فراهم کرده است. امروزه محور مقاومت برخاسته از ایمان به خداوند و مبارزه با اشغالگری به نیرویی پایدار در دفاع از حق و مقابله با استکبار جهانی تبدیل شده است. این جریان با اتکا به باور الهی و روحیه ایستادگی، در برابر فشارهای خارجی و نقشه‌های پیچیده، مسیر خود را با قدرت ادامه داده است. حمایت مردمی، ناکارآمدی برخی دولت‌های منطقه و بهره‌گیری از ابزارهای نوین، زمینه گسترش و تقویت این محور محور را فراهم کرده است. هر چند دشمنان با تحریم‌ها و پروژه‌های عادی‌سازی در صدد تضعیف آن برآمده‌اند؛ اما ایمان به نصرت الهی و وحدت نیروهای مؤمن مقاومت را به نیرویی شکست‌ناپذیر بدل کرده است. آینده‌ی این محور در گروی پایداری و اتحاد نیروهای آن است. مسیری که با تکیه بر اراده الهی همچنان در راه دفاع از حق و عدالت ادامه خواهد یافت.



به قلم: اسما محمدی

محور مقاومت در کجای تحولات جهانی ایستاده است؟ آیا امکان اشاعه و گسترش جبهه مقاومت وجود دارد؟

در دهه‌های اخیر منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا به دلیل موقعیت استراتژیک و اهمیت ژئوپلیتیکی همواره مورد طمع قدرت‌های خارجی و صحنه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده‌اند. دسترسی به منابع عظیم انرژی، قرار گرفتن در مسیرهای تجاری مهم و مجاورت با آبراه‌های حیاتی، این منطقه را به کانون رقابت‌های سیاسی و نظامی تبدیل کرده‌است و همین عوامل سبب شده تا این منطقه در طول تاریخ بارها شاهد مداخلات خارجی، استعمار و تحمیل جنگ‌های ویرانگر باشد. روندی که تا امروز ادامه داشته و شکل‌های جدید و نوین به خود گرفته است. در چنین شرایطی محور مقاومت از دل مقاومت مردمی در برابر اشغالگری و دخالت‌های بیگانگان سر برآورد. از تأسیس حزب‌الله در لبنان برای مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی گرفته تا حشدالشعبی عراق در واکنش با تهدیدهای امنیتی است و ایران نیز هم نقش مهمی در حمایت و تقویت این جریان‌ها ایفا کرده است. حمایتی که ابعاد سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک داشته و در شکل‌گیری و تداوم جبهه مقاومت نقش بسزایی داشته است.



شکوفایی اقتصادی چین



به قلم: داوود اسی

چین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸ از نظر اقتصادی یک دولت فقیر محسوب می‌شد به طوری که درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی و میانگین رشد اقتصادی آن بسیار پائین و سهم این کشور در تجارت جهانی بسیار ناچیز بود. پس از درگذشت رهبر و نخست وزیر چین در سال ۱۹۷۶، افرادی در این کشور قدرت را در دست گرفتند که دیدگاه متفاوتی داشتند. اصلاح اقتصادی، سطح زندگی آبرومندانه برای شهروندان چینی و تأمین رفاه آنان به اولویت اصلی رهبران چینی تبدیل شده بود، به این نتیجه رسیدند رشد چین مستلزم رشد اقتصادی این کشور است و این امر جز از طریق ارتباط وسیع با عالم خارج امکان پذیر نیست. دو سال بعد از درگذشت مائوتسه تونگ در سال ۱۹۷۶، کنفرانس یازدهم حزب مارکسیست چین برگزار شد. این کنفرانس که در نوامبر ۱۹۷۸ برگزار شد. چند برنامه را مدنظر داشت که عبارت است از:

افزایش قدرت سازگاری چین با تغییرات ساختاری اقتصاد جهان. زهاوزیانگ یکی از مشاوران دبیرکل سابق حزب مارکسیسم دولت‌ها را درخصوص توانایی تعامل با تغییرات جامعه بین الملل به چهار دسته تقسیم کرد که عبارتند از: الف) دولت‌ها و اقتصادهای انعطاف ناپذیر که ساختار دولت و اقتصاد آمادگی سازگاری با هیچ کدام از تغییرات را ندارد که شوری از جمله این کشورها محسوب می‌شود. ب) دولت‌های انعطاف ناپذیر و اقتصاد انعطاف پذیر که در این نوع مکانیزم‌های هماهنگی با بخش اقتصاد بیشتر از بخش سیاست فراهم است بهترین نمونه در این خصوص، کشورهایی‌اند که بهره‌ای آسیا نامیده می‌شوند. ج) دولت‌های انعطاف پذیر و اقتصاد انعطاف ناپذیر که این نمونه از دولت‌ها دقیقاً برخلاف دولت‌های گذشته هستند و این دولت‌ها بیش از ساختار اقتصادی توانایی سازگاری دارند که بهترین نمونه در این خصوص کشور هند است. د) دولت‌ها و اقتصادهای انعطاف پذیر که این شیوه در کشورهای پیشرفته رایج است به طوری که هم دولت‌ها و هم اقتصادشان از مکانیزم‌های سازگاری با تغییرات بین الملل برخوردارند. زهاوزیانگ تأکید می‌کند لازم است چین به این مجموعه ملحق شود. ۲) بازنگری در اولویت‌های توسعه: بدین ترتیب که ابتدا کشاورزی، سپس صنعت، در مرحله بعد پژوهش علمی و سرانجام مسائل دفاعی موردبررسی قرار گیرد. ۳) بازنگری در ساختار بخش‌های تولید: مزارع و زمین‌های عمومی به خانواده‌ها تحویل و اجازه راه اندازی طرح‌های خصوصی داده می‌شد و دولت سیطره خویش را بر صنایع سنگین، بخش انرژی و معدن حفظ می‌کرد. ۴) اجرای اصلاحات شهری مصوب در سال ۱۹۸۴ توسط حزب مارکسیسم. ۵) اعطای استقلال به مؤسسه‌های اداری. ۶) روان تر کردن کانال‌های تجارت خارجی با کاهش تعرفه‌های گمرکی. ۷) تلاش برای ملحق شدن به هیأت‌های مالی و تجاری بین المللی. ۸) تشویق بخش گردشگری و آغاز عملیات گسترده برای توسعه آن آنچه که رهبر چینی خواهان دستیابی به آن بود که عبارت بود از افزایش تولید و رساندن جامعه به رفاه اقتصادی و در راه رسیدن به هدف حرکت در مسیر درست ملاک بود چه براساس اصول سوسیالیستی باشد و یا سرمایه‌داری. دنگ شیائوپینگ اصلاحات اقتصادی بزرگی را با نام سیاست‌های "درهای باز" معرفی کرد. این اصلاحات شامل: لیبرال‌سازی اقتصادی: کاهش کنترل دولت بر بازار و افزایش نقش بخش خصوصی سرمایه‌گذاری خارجی: ایجاد مناطق ویژه اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی تمرکز بر صادرات: تبدیل چین به "کارخانه جهان" با تمرکز بر تولید کالاهای ارزان قیمت و نتیجه رشد سالانه ۹ درصدی اقتصاد بود. صنعت گردشگری نیز نقش حیاتی در این رشد ایفا کرده است: دیوار بزرگ چین، شهر ممنوعه، و ارتش سفالی شی‌آن، فستیوال‌ها مثل سال نوی چینی، به طوری که درآمد حاصل از گردشگری در سال‌های قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ به بیش از ۱ تریلیون دلار رسید. اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز، چین را از یک اقتصاد متمرکز کمونیستی به سمت اقتصاد بازارمحور حرکت کرد، که شامل خصوصی‌سازی، کاهش کنترل دولتی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی بود. نیروی کار ارزان و گسترده که جمعیت زیاد و دستمزد پایین، چین را به کارخانه جهان بدل کرد. سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری: انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه گذاری خارجی. ایجاد زیرساخت‌های قوی: بنادر راه آهن، جاده و غیره. تمرکز بر صادرات: چین مدل رشد اقتصادی خود را بر اساس صادرات بنا کرد. سیاست‌های دولتی هوشمندانه: اصلاحات در مالکیت زمین و بانکداری. گسترش طبقه می‌توسط: رونق بازار داخلی. نوآوری و تکنولوژی: چین روی تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کرده و شرکت‌های بزرگی مانند هواوی، علی‌بابا رشد کردند. کنترل بر ارز و سیاست‌های مالی: با مدیریت ارزش پول در برابر دلار، صادرات خود را حفظ کرده است.



سماح استعمار

به قلم: ابوالفضل نغین تابی

استعمار نو (به انگلیسی: Neocolonialism) مفهومی است که به روش‌هایی گفته می‌شود که پس از دوران استعمار کهن، برای تسلط اقتصادی و سیاسی بر کشورها و بهره گرفتن از آن‌ها به کار گرفته می‌شود و به نوعی معادل با امپریالیسم است. همگام با تحولات پس از جنگ جهانی دوم و سلب امکان استعمار کشورها به صورت مستقیم و مستعمره، سیاست‌های جدیدی تحت عنوان استعمار نو به کار گرفته شد و شیوه‌های استعمار کلاسیک به کار خود پایان داد. این روش، شامل شیوه‌هایی چون تک‌محصولی کردن کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط کشورهای ثروتمند و غیره می‌شود. ورود اندیشه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید به مناطق مستعمره و گسترش جنبش‌های ضد استعماری (پاداستعماری) از عوامل مهم پایان گرفتن استعمار سنتی بودند. استعمار کهن پس از بیرون آمدن نیروهای نظامی و عوامل شناخته شده خود از مستعمره‌ها، با به قدرت رساندن هواداران داخلی، منافع خود را در این مناطق تأمین می‌کند. رشد اقتصاد «سرمایه‌داری» و صدور سرمایه برای بهره‌برداری از منابع سرزمین‌های دیگر، روابط اقتصادی کشورهای صنعتی

استثمارگر را با کشورهای کوچک وارد مرحله تازه‌ای کرد؛ به این ترتیب که کشورهای صنعتی، از راه صدور سرمایه و مکانیسم جهانی قیمت‌ها و داد و ستد مواد خام با کالاهای ساخته شده و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از کشورهای کم‌رشد بهره‌کشی می‌کنند و این رابطه عنوان «استعمار نو» (نئوکولونیالیسم) به خود گرفته‌است و بسیاری از ملت‌های کوچک و تازه آزاد شده را علیه این نوع رابطه سیاسی و اقتصادی برانگیخته است. روش «نواستعماری» سبب می‌شود که کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی حقیقی یا

ظاهری، همچنان در مراحل اولیه رشد اقتصادی در جا بزنند یا حتی عقب بروند، و در مقابل، کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آن‌ها و از راه دادوستد اقتصادی سودهای کلان به دست آورند. استعمار کهن شیوه‌ای استعماری بوده که قدرت‌های بزرگ با اعمال زور بر کشورهای دیگر سلطه پیدا می‌کردند و خود در رأس آن کشورها حکمرانی می‌کردند و به چپاول ثروت آنها می‌پرداختند. برای نمونه می‌توان به دوران حکومت بریتانیا بر هندوستان در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ اشاره کرد. در استعمار کهن مجریان در سرزمین مستعمره حضور مستقیم دارند. از ویژگی‌های این نوع استعمار می‌توان اشاره کرد به: قدرت نظامی حرف اول را می‌زد و تهدیدها از نوع تهدید سخت بود. لشکرکشی و کشتار موجه بود و کشتار بیشتر دلیل قدرت بیشتر بود. برای استعمارگران پرهزینه بود. سرزمین‌ها فتح می‌شدند و حاکمیت مستقیم بر آنها اعمال می‌شد. از ابزارهای رسانه‌ای مانند روزنامه که به واسطه پدید آمدن صنعت چاپ شکل گرفته بود، بهره می‌گرفت.



آیا تشکیلات بسیج دانشجویی اسلامی است؟

به قلم: حسین افزری

با آرزوی قبولی طاعات و عبادات در ایام ماه مبارک رمضان، فرا رسیدن بهار طبیعت را که با بهار قرآن مقرون گردیده است را تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و سالی پر از خیر و برکت را برای تمامی بسیجیان گرامی و مردم شریف ایران آرزومندم. سال نو موسم نو شدن است. برای نو شدن ابتدا باید از اندیشه شروع کرد. اندیشه‌ی نو، رویکردهای نو و دست‌آوردهای نو را در پی خواهد داشت. برای نو اندیشی در زمینه‌ی دین که پایه و اساس تفکر بسیجی را تشکیل می‌دهند. باید به عملکردها و تجارب گذشته نگریست و این سؤال را پرسید: آیا تشکیلات بسیج دانشجویی اسلامی هستند؟ آیا گفتار، رفتار، منش و عملکرد ما اسلامی است؟ ما چه میزان با حقیقت شجره طیبه بسیج که امام خمینی (ره) آن را مدرسه‌ی عشق نامیدند فاصله داریم. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بسیجیان و رزمندگان کسانی بودند که بدون هیچ چشم داشتی و تنها برای کسب رضای الهی در راه خدمت به اسلام گام برداشتند و سخاوتمندانه جان خود را که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی وجودی هر انسان است و بی‌آنکه مزدی از کسی بخواهند یا به دنبال منصبی باشند یا دیگر مطامع و امتیازات دنیوی ایشان را فریفته باشد، فدا کردند. آیا امروز ما رهروان حقیقی این مسیر هستیم؟ آنان بسیجیانی بودند که در سخت‌ترین شرایط، اخلاق و ادب را مراعات کرده و بر نفس سرکش لگام می‌زدند. آیا ما امروز به رعایت اخلاق در گفتار، رفتار و اعمالمان پایبند هستیم؟ اگر به خاطرات برخی بسیجیان در اثناء جنگ تحمیلی مراجعه کنیم، ایشارها و از خودگذشتگی‌های خیره‌کننده‌ای را می‌بینیم که باورشان برایمان سخت است. آیا ما در این میدان‌گاه برای از خودگذشتگی و ایثار حضور پیدا کرده‌ایم؟ اقدامات بسیجیان برای مردم ستایش برانگیز بود. بسیجیان در مقابل جهادشان هیچ مزدی از مردم نمی‌خواستند و هیچ منتی بر ایشان نداشتند. آیا ما اینگونه هستیم؟ این یک سنت الهی است که هر امری برای خدا و بدون چشم داشت مادی و دنیوی باشد، خداوند آن را در نظر مردم بسیار رفیع می‌دارد. رزمندگان و شهداء علاوه بر آن‌که از نحله‌های مختلف فکری بودند، بعضاً از ادیان و مذاهب دیگر نیز بوده‌اند؛ این مهم‌ترین دلیلی بود که رزمندگان اسلام بر خصم رژیم بعث فائق آمدند و تمامیت ارضی ایران عزیزمان حفظ گردید. آیا بسیج دانشجویی می‌تواند مجمعی برادرانه برای نحله‌های مختلف فکری باشد که دل در گرو حق و عدالت دارند؟ آنچه بیان گردید، تنها جزء کوچکی از معارفی است که رزمندگان و شهدای انقلاب اسلامی در این مکتب پرورش یافتند و امروز کمتر به آن‌ها توجه می‌شود امروز ما علاوه بر درس گرفتن از تاریخ انقلاب اسلامی باید معارف بیشتری را از منابع اسلامی برداشت نموده و به آن‌ها عمل کنیم. در این مسیر باید از تعصب و ظاهربینی اجتناب کرد و به جای آنکه فردی را به دلیل ریش نگذاشتن، پیراهن آستین کوتاه پوشیدن، نماز اول وقت نخواندن، شرکت نکردن در فلان برنامه خاص، حجاب و... مورد شماتت قرار دهیم یا با او برخورد کنیم؛ باید سعی بر آن داشته باشیم تا معارف نورانی اسلام را به روشن‌ترین بیان برای ایشان تبیین کنیم و هیچ گاه خود را ره یافته‌تر از دیگران ندانیم که خداوند به ره یافتگان درگاهش آگاه‌تر است. در پایان از مسئولین محترم بسیج دانشجویی خواهشمند است، در این خصوص جلساتی را بصورت گفت و گوی آزاد و تضارب آراء تشکیل دهند تا دانشجویان بتوانند آزادانه عقاید، نظرات و انتقادات خود را بیان نمایند. این جلسات و گفت‌وگوها قطعاً موجب رشد و بالندگی بیش از پیش بسیج دانشجویی ان شاء الله خواهد شد.



متن تاریخ سراسر عبارت است؛ از حملات ترکان به اروپا، از یورش آتیلان هون گرفته تا حملات امپراتوری عثمانی به یونان تا وین اتریش. به همین دلیل اگر به نوشته‌های اندیشمندان اروپایی تا پیش از سده نوزده نگاه بیندازیم تنها کلمات نفرت‌آمیز از ترکان را می‌بینیم، اما نمی‌دانیم چه شد که از سده نوزده به بعد متفکرین اروپایی در متن‌های خود ترکان را ستودند و اینطور نوشتند «ترکان باید به تاریخ خود افتخار کنند». این چرخش عقیده چگونه ممکن است اینقدر سریع اتفاق بیفتد، آیا زخم‌های گذشته التیام یافته یا دسیسه‌ای در کار است؟ برای یافتن جواب این پرسش باید به دورانی برویم که عصر جولان امپراتوری بریتانیا در صحنه تحولات جهانی بوده است. درست زمانی که یک مجارستانی یهودی تبار به نام «آرمینیوس وامبری» به عنوان مترجم وارد دربار امپراتوری عثمانی می‌شود و پس از چند سال به ایران و آسیای مرکزی سفر می‌کند و با کوله باری از اطلاعات به لندن می‌رود و در آنجا کتابی از وی به چاپ می‌رسد که بنیاد فکری پان ترکیسم را می‌سازد. از آن پس پان ترکیسم خوراک فکری بسیاری از روشنفکران و نظامیان ترک می‌شود و این به گونه‌ای است که نوری پاشا ژنرال عثمانی به بخارا واقع در ازبکستان امروزی می‌رود و برای رویای پان ترکیسم، همراه اردوی خانات بخارا در مقابل قوای روسیه تزاری مبارزه می‌کند. یا اندیشمند تاتار تبار اسماعیل گازپرینسکی به دلیل آنکه سال‌ها هم تبارانش تحت حاکمیت روس‌ها بودند در شهر خود دست به اشاعه پان ترکیسم زد و از الفبای شهر خود زبان فارسی و عربی را حذف نمود و با کوشش فراوان سعی در ترکی نمودن زبان شهر قازان نمود. انتشار آن کتاب کذایی از وامبری در لندن خود نشان می‌دهد که بریتانیای خبیث از سده نوزدهم میلادی چه خوابی برای منطقه، جهان و اسلام دیده است. در واقع بریتانیا به عنوان خالق پان ترکیسم طرز نگرشی را طراحی کرد که در گام نخست به امت اسلامی ضربه بزند و در گام بعدی هویت ملی ایران، چین و روسیه را تضعیف کند، چنانکه اقوام ترک قومی بزرگ و پراکنده هستند و در خدمت گرفتن قومی چنین پراکنده دست آن‌ها را در پیش برد اهدافشان بازتر می‌کند.

پان ترکیسم طرحی بریتانیایی بوده است. از قضا رهبران و پیروان آن تا به امروز در خدمت بریتانیا بوده‌اند. همه ما می‌دانیم میان بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی اختلافی مذهبی در جریان بوده است و به دلیل آنکه بریتانیا پروتستان است و کشور های ایتالیا، فرانسه و... کاتولیک هستند و به همین دلیل بریتانیایی ها در سال ۱۹۸۱ با استفاده از افراتیون پان ترکیست که خود را گرگان خاکستری می‌خواندند دست به ترور پاپ وقت ژان پل دوم زدند که البته این ترور نافرجام باقی ماند. پان ترکیسم جریانی به غایت ظالم است به گونه‌ای که هویت دیگر اقوام را نادیده می‌گیرند. از نگاه آنان در سرزمین‌هایی که در روزگاری اقوام ترک تبار می‌زیسته‌اند دیگر هیچ هویت غیر ترکی اسمیت ندارد، همان گونه که در ترکیه اقوام عرب و کرد را به رسمیت نمی‌شناسند، در قفقاز اقوام چرکس و تالش را و در آسیای مرکزی نیز تاجیک تباران را به عنوان یک هویت به رسمیت نمی‌شناسند. امروز نیز مار پان ترکیسم به افعی تبدیل شده است که عامدانه غیرت جوانان ترک مسلمان را با قومیت‌گرایی تضعیف می‌کند و به آرمان‌های اسلامی همچون آزادی قدس شریف ضربه می‌زند، بنابراین از آنچه که پان ترکیست در سوریه رقم زد نباید تعجب کرد.



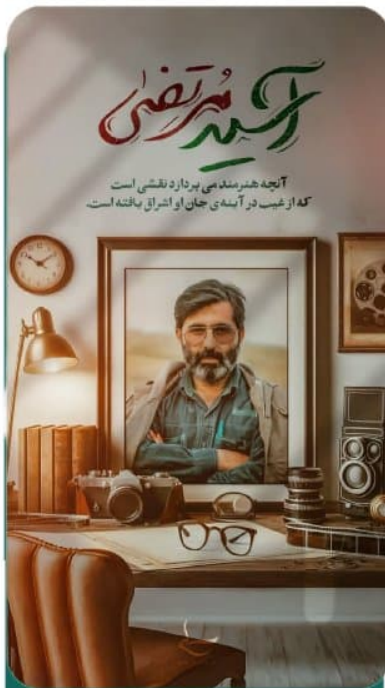
نظام حقوقی جهان غرب و جهان اسلام

از آن قاعده عدول کرده و رأی جدیدی صادر می‌کند و رأی جدید نیز منجر به ایجاد سابقه می‌شود. این نظام حقوقی منشعب از دین شریعت فقهی اسلامی است. برخلاف بیشتر ادیان که صرفاً راجع به خدانشناسی می‌باشد و عموماً چارچوب اعتقادی افراد را تعیین می‌کند، دین اسلام برای مسلمانان آنچه را که باید به آن عمل یا از انجام آن استنکاف کنند تحت ساختاری به نام شریعت مشخص می‌نماید. شرع ساختار حقوقی اسلام را تشکیل می‌دهد. قواعد حقوق اسلامی جنبه الهی دارند. چرا که در این حقوق ملاک مشروعیت و حقانیت قواعد حقوقی تابع اراده تشریعی خداوند است. به این معنا که صلاحیت انحصاری قانون‌گذاری و حق تشریع صرفاً برای خدا است. در اسلام حکمت الهی تاملین‌کننده حق است و انسان صلاحیت وضع قوانین را ندارند مگر در مواردی که خداوند به انسان اجازه داده است. بنابراین حقوقدانان اسلامی باید بکوشند تا با استفاده از اصول عقلی و سابقه تاریخی نظر واقعی سازه را از منابع مربوط استنباط کنند. این حقوق به مسلمین می‌آموزد که چگونه بر طبق دین اسلام عمل کنند تا حقوق دیگران رعایت شود و اگر تجاوزی به حقوق غیر صورت بگیرد به چه صورت باید عدالت برقرار شود. بنابراین حقوق اسلام بیشتر در تکالیفی که شخص باید انجام دهد متمرکز شده است و ضمانت اجرای واقعی تخلف از انجام تکالیف مزبور و ارتکاب گناه مسئولیت در برابر خداوند می‌باشد و افراد جامعه اعم از غنی، فقیر و از هر نژاد و ملیت در برابر فرامین و تکالیف مذهبی مساوی می‌باشند. چنانچه در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، بزرگوارترین شما نزد خداوند با تقوا تربت شماست». در حقوق اسلامی، دولت خدمت‌گزار واقعی دین است پس میتوان گفت اسلام یک دین نیست بلکه یک سیستم سیاسی برای جامعه‌ای بنام امت است که در رأس آن خداوند قرار دارد. با توجه به این منابع، فقه اسلامی شامل قرآن، سنت، اجماع، عقل و قیاس می‌باشد و رسیدگی قضایی برای اجرای عدالت با عنایت به منابع فوق صورت می‌پذیرد. در جوامع اسلامی از جمله کشور ایران که نظام حقوقی آن از فقه اسلامی (فقه امامیه) می‌باشد و محتوای حقوق اسلامی روند تقنین را گذرانده و به قانون تبدیل شده است. رسیدگی به دعاوی با استناد به قوانین صورت می‌پذیرد و صرفاً در فرض سکوت قانون (نص صریح قانون ایران) در مسائل مستحدثه قضات باید با توجه منابع حقوقی دیگر به دعاوی رسیدگی کنند. منابع نظام حقوق ایران مستنبط از فقه اسلامی به ترتیب شامل قانون، شریعت، عرف، رویه قضایی و دکترین می‌شود. بنابراین در نظام حقوق اسلامی هیچ حکمی صادر نمی‌شود مگر به موجب منابع فقهی اسلامی. در نظام حقوقی کامن لا رسیدگی قضایی عموماً مطابق یک قانون مدون صورت نمی‌گیرد و بر اساس رویه قضایی است و همچنین مشخص نیست که چه رفتاری جرم است و مجازات آن چیست، یعنی تا شخصی مرتکب عملی نشده است متوجه آن نیست که این عمل جرم بوده است و چه مجازاتی دارد و علم به قواعد یا رسیدگی قضایی میسر می‌شود. البته این مسئله چهل به قانون یا نوآوری‌هایی که پارلمان‌های حاکم بر جوامع در امر تصویب قوانین به وجود آورده‌اند از بین رفته است اما همچنان نقش عرف و رویه قضایی در رسیدگی دعاوی در نظام حقوقی کامن لا باقی است. در جوامع اسلامی همه چیز از قبل توسط شارع و قانون‌گذار پیش‌بینی شده است. هر شخص از قبل متوجه رفتار مجاز و غیر مجاز و عواقب آن در جامعه می‌باشد. از آن جا که در جهان معاصر بین منابع حقوقی اشتراکاتی دیده می‌شود و می‌توان گفت بین این دو نظام حقوقی شباهت‌هایی وجود دارد اما دانستن این نکته حائز اهمیت است که منابع دیگر حقوقی اسلامی با توجه به قانون و شریعت در نظام حقوقی اسلامی بررسی می‌شوند. عدالت در علوم مختلف عموماً یکسان تعریف شده است. فلسفه عدالت را هر چیزی در جای خود قرارداد معنا کرده است. قرآن نیز به مساوات رفتار کردن معنا شده است و از آن به قسط (دادگری) نام برده است. چنانچه در آیه شریفه سوره اعراف می‌فرماید: «بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است». عدالت در نظام حقوق اجتماعی نیز به معنای اجرای نظام حقوقی به گونه‌ای که هر کس به حق عقلانی خود برسد و در مقابل آن حقوق وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و عواقب تخلف از آن را بپذیرد. قضاوت در اصطلاح فقهی به معنای حکم کردن میان مردم برای پایان بخشیدن به اختلافات ایشان و گرفتن حقوق آنان است. قضاوت در همه جوامع یک منسب است که کسی عهده‌دار آن می‌شود برای رسیدگی به امور حقوقی دیگر اشخاص در جامعه است. در جوامع اسلامی بر خلاف جوامع غربی قضاوت جزئی از ریاست عمومی پیامبر (ص) و امامان شیعه است و به همین دلیل از منظر روایات و فتاوا کسی که عهده‌دار این منسب می‌شود و باید شرایط خاصی از جمله عدالت، عقل، شیعه، حلال‌زاده و علم به احکام قضاوت را داشته باشد. جوامع غربی صرف علم به نظام حقوقی و علوم قضایی عهده‌دار منسب قضا می‌شوند. در هر دو نظام حقوقی هم زنان و هم مردان می‌توانند عهده‌دار منسب قضا باشند و از نظر جنسیتی در این منسب هیچ محدودیتی وجود ندارد. اما در جوامع اسلامی به صلاحدید حاکمیت منسب قضا برای زنان ممنوع است به جز در برخی موارد به زنان اجازه تصدی این منسب داده شده است.



امروزه در جهان نظام‌های حقوقی متعددی وجود دارد که اهداف آن‌ها برقراری نظم و گسترش عدالت اجتماعی در جوامع می‌باشد. از مسائل مهم قابل توجه می‌توان به مقایسه نظام‌های حقوقی میان جهان غرب و اسلام نام برد. از دیرباز تا امروز نظام حقوقی جهان غرب «کامن‌لا» بوده است. کامن‌لا به معنای حقوق مشترک یا همگانی می‌باشد؛ این سیستم به حقوق عرفی و رویه قضایی نیز معروف است. مبنای اصلی را اخلاق ناشی از مذهب مسیح و سیاست مربوط به حمایت از فرد و آزادی‌های فردی تشکیل می‌دهد. بنابراین منابع حقوق در این نظام حقوقی به ترتیب عبارتند از: آراء قضایی، قانون، عرف و عادت، دکترین (نظریات اندیشمندان حقوق) و عقل که این سیستم به طریق عملی شکل می‌گیرد یعنی قواعد مصوب قانونگذار در جایگاه آراء قضات قرار نمی‌گیرد و قضات بر اساس رویه و احکام صادر شده‌ی محاکم اقدام به صدور رأی می‌کنند. در این مورد وجدان و انصاف قضات بسیار موثر است. برای مثال قضات به هنگام مطرح شدن دعوی جدید در مواردی که طرفین در ماهیت دعوا اختلاف دارند به جای استفاده از مواد قانونی و اصول کلی حقوقی به مقایسه عناصر دعوی مطرح شده با دعوی‌های رسیدگی شده و آراء پیشتر صادر شده از دادگاه‌ها در مورد آن موضوع می‌پردازند و بر حسب شباهت بین عناصر دو دعوی حکم مشابه صادر می‌نمایند و در غیر این صورت اگر قاضی تشخیص دهد که دعوی اخیر اساساً نسبت به دعوی سابق متفاوت است...





سید شهیدان اهل قلم مرتضی آوینی:

قدرت حقیقی اینجاست، دست خدا با جماعتی است که بر محور حق گرد آمده‌اند و اصلاً وحدت جز در میان موحدین تحقق نمی‌یابد. با این معیار، بسیج قدرتمندترین ارتش دنیاست. اگر کسی در جست‌وجوی مصادیق کاذب قدرت باشد، آن را در میان بسیجیان نخواهد یافت. آنها آرتیست‌های دروغین سینما، هرکول و سامسون و یا جیمز باند و سوپرمن نیستند؛ آنها هم مثل من و تو، کارگر و کارمند، دانشجو و دکاندار هستند و قدرشان نه در موهای بلند و بازوهای کلفت است و نه در بال‌های آهنین و پاهای الکترونیکی؛ در ایمان است.

منظومه
مه‌ی رحیمی

قبل از اینکه بخواهم توضیح بدهم در مورد بسیج دانشجویی این چند مورد را باهم بخوانیم: بسیج یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن، چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی. این میدان‌ها، میدان فکر و دانایی و تولید علم است. میدان چالش‌های گوناگون برای جبران عقب ماندگی است. در این چالش‌ها، چالش دانایی و علم، تولید فکر، سازندگی و خدمت رسانی به مردم، دفاع سیاسی، تهاجم سیاسی و دفاع نظامی هست. بسیجی عدالت‌طلب است. عدالت‌طلبی به این معنا نیست که انسان رو در روی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی، نه! این ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود. بسیج باید جلوتر از همه وارد علم بشود. شما باید بروید عرصه‌های علمی، فناوری، نوآوری‌های علمی و آفاق شناخته نشده علم را تصرف کنید. کلمه‌ی دانشجو از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوان طالب علمی که آینده در دست اوست. این خصوصیات، در کلمه‌ی دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان! چون دانشجویی، مربوط به دوران جوانی است. طالب علم بودن و جست‌جوی دانش هم در کلمه‌ی دانشجو است. چون که آینده‌ی کشور، به سمت اداره‌ی علمی کشور پیش می‌رود. یعنی به سمت اداره‌ی عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه‌ی دقیق، در همه‌ی شؤون آن دخالت داشته باشد. وضعش بهتر است. بنابراین دانشجو یعنی کسی که ناظر به آینده و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. این عناوین و مفاهیمی که در کلمه‌ی دانشجو گنجانده شده، خیلی مهم است. تشکل بسیج دانشجویی ذیل مبانی و اصول امام خمینی و رهبری است.

این چند جمله‌ای باهم خواندیم بخشی از صحبت‌های رهبری است که در مورد تشکل بسیج دانشجویی در سال‌های گذشته بیان کردند. بسیج دانشجویی تشکلی است که در آن طبق معاونت‌ها و بخش‌های که دارد میتواند در عرصه‌های مختلفی مثل عرصه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی، اردوهای جهادی و خدمت رسانی به مردم هم در دانشگاه و هم در جامعه حضور و اثرگذاری داشته باشد. در این قسمت ساختار تشکل بسیج دانشجویی رو باهم صحبت میکنیم: معاونت علمی: شاید میتوان گفت اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه بسیج دانشجویی کارهای علمی در سطح دانشگاه و کشور است. همان‌طور که پیشتر گفته شد باید سطح علمی کشور بیشتر رشد و این زمانی رخ می‌دهد که سطح علمی در دانشگاه بالاتر رود که در طی ترم گذشته در دانشگاه انواع همایش‌ها در رشته‌های مختلف برگزار شد و شگفتانه‌های خوبی هم در این ترم داریم. معاونت سیاسی: در این معاونت، ما کنشگری و مطالبه‌گری‌های مختلفی داریم که از دانشگاه و مسئولین مربوطه شروع می‌شود تا مسئولین دولتی و مباحث حکمرانی. معاونت فرهنگی: همان‌طور که اسمش مشخص است برنامه‌ریزی‌ها و کارهای فرهنگی گوناگون در این بخش انجام می‌شود که ترم گذشته مراسم شهید گمنام و مزار شهدای دانشگاه و غیره را داشتیم. معاونت رشد و کادرسازی: این معاونت مسئول شناسایی استعدادهای افراد درون تشکیلات و جهت دادن به استعدادها و رشد آن هاست. همچنین پیش بردن روند تشکیلات به سمت اهداف و آرمان هاست. معاونت بین الملل: برقراری ارتباط صمیمانه با جوامع بین‌المللی دانشگاه جهت انتقال و اشاعه ارزش‌های ایران اسلامی به آنهاست. در راستای آن حسن رفتار نشان داده و با آنها در بسیاری از زمینه‌ها به مطالعه و تحقیق می‌پردازد اما مهم‌ترین هدفی که این معاونت دنبال می‌کند برقراری رفاقت و صمیمیت با آنهاست. معاونت جهادی: روحیه‌ی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه‌ی خود دانستن، همه‌ی نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه‌ی جهادی است. برای اینکه این روحیه‌ی جهادی در شما تقویت بشود، حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است. نگویید وقتان تلف می‌شود، نه! بیشترین و بهترین استفاده از وقت همین است. درستان را بخوانید، پژوهستان و کارتان را بکنید. در اردوهای جهادی هم که در دوره‌ی سال، چند هفته‌ای انسان را مشغول میکند شرکت کنید. این شما را با متن مردم آشنا می‌کند، این شما را با مشکلات و معضلات جامعه که غالباً از چشم مسئولین دور می‌ماند، آشنا می‌کند. «رهبری» در طول هر ترم، یک اردوی جهادی در روستاها و مناطق مختلف داریم که کارهایی مثل بنایی، ترمیم مدارس، رفع نیاز مردم آن منطقه و بسیاری کارهای فرهنگی دیگر. معاونت فضای مجازی: کارهای صورت گرفته در تشکیلات را دوستان ما در رسانه منسجم و منتشر می‌کنند. چالش ما در این مسیر نگاه‌های قضاوت‌آلود است که تمام تلاش ما تغییر در این نگرش و باور شکل گرفته درباره بسیج دانشجویی است. ما مسیر خود را با عنایت به فرمان اسلام، قرآن و امر و بیانات حضرت آقا در افق درخشان نزدیک ادامه خواهیم داد و با آغوش باز پذیرای دانشجویان نخبه و دغدغه‌مند، مردان عرصه عمل هستیم. ما در بسیج دانشجویی همگام و همراه شما هستیم.





راهکارهای خلاقانه برای برون رفت اقتصادی ایران اسلامی: از ظرفیت های بومی تا دیپلماسی فعال

مؤلفه

سمانه نصیریان

هوشمند، توسعه صنایع تبدیلی و حمایت از تعاونی های محلی می تواند به اشتغال زایی و کاهش مهاجرت به شهرها کمک کند. در این زمینه، فناوری های نوین و دانش بومی نقش کلیدی دارند.

۴. اصلاح ساختارهای مالی و بانکی:

شفاف سازی عملکرد بانک ها، کاهش سودهای کلان و تمرکز بر حمایت از صنایع کوچک و متوسط (SMEs) می تواند به رشد اقتصادی کمک شایانی کند. همچنین، ایجاد سامانه های مالی دیجیتال برای تسهیل دسترسی مردم به خدمات بانکی ضروری است.

۵. فرهنگ سازی برای مصرف بهینه و حمایت از تولید داخلی:

ترویج فرهنگ صرفه جویی و استفاده از کالای ایرانی، از طریق برنامه های آموزشی و رسانه ای، می تواند به تقویت تولید داخلی کمک کند. همچنین، ایجاد بستری برای رقابت پذیری تولیدکنندگان ایرانی ضروری است.

نتیجه گیری:
با توجه به چالش های موجود، راه حل های برون رفت از بحران اقتصادی نیازمند ترکیب ابتکار، برنامه ریزی استراتژیک و همکاری ملی است. به کارگیری ظرفیت های داخلی و نگاه خلاقانه به فرصت ها می تواند راهگشای آینده ای روشن تر برای اقتصاد ایران اسلامی باشد.

اقتصاد ایران در دهه های اخیر با چالش های پیچیده ای از جمله تحریم ها، وابستگی به درآمدهای نفتی و مشکلات ساختاری مواجه بوده است. اما در دل همین بحران ها، فرصت هایی برای تحول و اصلاح نهفته است که با بهره گیری از ظرفیت های بومی و نگاهی تازه به تحولات جهانی می توان به سوی پیشرفت حرکت کرد. چشمه ای از فرصت ها:

۱. تقویت اقتصاد دانش بنیان:

ایران با دارا بودن نیروی انسانی متخصص و ظرفیت های علمی برجسته، می تواند به قطب اقتصاد دانش بنیان منطقه تبدیل شود. سرمایه گذاری در فناوری های نوین مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و انرژی های تجدیدپذیر، نه تنها به کاهش وابستگی به نفت کمک می کند، بلکه جایگاه ایران را در بازارهای جهانی تثبیت می کند.

۲. دیپلماسی اقتصادی فعال:

تغییر رویکرد از سیاست صرفاً مقاومتی به دیپلماسی اقتصادی می تواند در گسترش بازارهای صادراتی و جذب سرمایه گذاری خارجی مؤثر باشد. ارتباط مؤثر با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت نهادهایی چون سازمان همکاری های شانگهای می تواند راهگشا باشد.

۳. استفاده از ظرفیت های روستایی و کشاورزی پایدار:

تقویت اقتصاد روستایی از طریق ترویج کشاورزی





منابع رسیدگی قضایی در ادیان ابراهیمی (یهودیت مسیحیت و اسلام)

سجاد محمدی کشکولی

احکام از طریق اجتهاد به فتاوی فقها و استنباط احکام از منابع اسلامی توجه میکند رویه قضایی دادگاههای اسلامی به مسائل مختلف از جمله اختلافات، خانوادگی، معاملات و جرایم رسیدگی می کنند. همچنین شهادت دو شاهد عادل یا اقرار متهم در برخی موارد از الزامات قضایی است. اشتراکات تمامی این ادیان بر اهمیت عدالت و انصاف در رسیدگیهای قضایی تأکید دارند، همچنین شهادت و اقرار به عنوان ابزارهای اثبات دعوا در همه این ادیان مورد پذیرش قرار می گیرد. تفاوتها: در هر دین منابع اصلی قوانین قضایی و نحوه رسیدگی به مسائل متفاوت است به عنوان مثال، در یهودیت تلمود و هلاخا نقش اصلی را دارند در حالی که در اسلام قرآن و سنت به عنوان منابع اصلی شناخته می شوند. همچنین، در مسیحیت منابع قضایی بیشتر مبتنی بر اصول اخلاقی و کلیسایی است. بررسی منابع قضایی در ادیان، یهودیت مسیحیت و اسلام نشان دهنده تنوع و پیچیدگی این نظامها و تأثیرات عمیق آنها بر جوامع بشری است. هر دین با استفاده از منابع خاص خود به ارتقاء عدالت و انصاف در میان پیروانش پرداخته است درک این تفاوتها و اشتراکات میتواند به تقویت گفت و گو و تفاهم بین پیروان این ادیان کمک کند.

قضایی مسیحیت به طور عمده بر پایه اصول اخلاقی و معنوی استوار است که در متون مقدس مسیحی آمده است. کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید به ویژه در مسائل اخلاقی و معنوی برای مسیحیان اهمیت دارند اما نظام قضایی مسیحی به طور مستقیم از آنها نشأت نمی گیرد. سنت سنتهای کلیسایی و آموزه های دینی در شکل گیری نظام قضایی مسیحیت تأثیرگذار بوده است. رویه قضایی در کلیسای کاتولیک قوانین کلیسایی قانون شریعت نقشی اساسی در نظام قضایی ایفا می کند در حالی که در کلیساهای پروتستان تفسیر کتاب مقدس و اصول اخلاقی اهمیت دارد. عقل و قانون قوانین وضعی و عقل در بسیاری از کشورهای مسیحی به ویژه در مسائل مدنی و حقوقی نقش دارند. نظام قضایی اسلام بر اساس منابع معتبر، اسلامی یعنی قرآن و سنت و اجتهاد شکل می گیرد. قرآن به عنوان منبع اصلی حقوق و شریعت اسلامی قوانین بسیاری در آن آمده است که در راستای عدالت و انصاف در قضاوت است. سنت: سنت پیامبر اسلام (ص) به ویژه احادیث و سیرت، او منبع دوم حقوقی در اسلام است. عقل و قیاس: در اسلام عقل و قیاس به عنوان ابزارهای استنباط احکام از قرآن و سنت استفاده میشود. اجتهاد فقه اسلامی: از طریق اجتهاد به فتاوی فقها و استنباط

ادیان یهودیت مسیحیت و اسلام به عنوان سه دین ابراهیمی هر کدام نظامهای قضایی و حقوقی خاص خود را دارند که در شکل گیری آنها به منابع، مقدس سنتها و تفاسیر دینی اشاره می شود. در این نوشتار، به بررسی اجمالی این منابع قضایی در سه دین یهودیت مسیحیت و اسلام پرداخته می شود و اشتراکات و تفاوت های آنها مورد تحلیل قرار می گیرد. یهودیت تکیه بر تورات و تلمود نظام قضایی یهود بر پایه منابع دینی و فقهی خاصی استوار است که مهمترین آنها تورات پنج کتاب اول (عهد عتیق و تلمود) مجموعه تفاسیر و قوانین شفاهی می باشد. تورات به عنوان اولین منبع حقوقی در یهودیت اصول حقوق جزا و ادله اثبات در آن ذکر شده است. تلمود مجموعه های از میشنا و گمارا است که تفاسیرها و قوانین شفاهی یهود را شامل می شود. هلاخا به عنوان مجموعه های از قوانین شریعت یهود تعیین کننده احکام قضایی و رویه های قانونی است. - رویه قضایی دادگاههای یهودی به ویژه سنهدرین کبیر و کوچک در حل و فصل مسائل قضایی به ویژه در زمینه های جنایی و مدنی نقش داشتند. عقل و رویه نظریات عالمان هلاخا و رویه قضایی در حقوق یهود به عنوان منابع معتبر قانونی شناخته میشوند. نظام



یا سلطنت مشروطه (قدرت محدود به قانون اساسی) وجود داشته باشد.

۱۰. مردم‌سالاری دینی (Religious democracy)

ترکیبی از اصول دموکراسی و ارزش‌های دینی است و بر این باور است که حاکمیت مردم باید در چارچوب آموزه‌های دینی صورت گیرد. در این نظام، مشارکت مردمی، انتخابات و نهادهای دموکراتیک وجود دارد، اما قوانین و سیاست‌ها بر اساس مبانی دینی تنظیم می‌شوند.

۱۱. دموکراتیک یا مردم‌سالاری

(Democratic) نظامی سیاسی است که در آن قدرت حاکم از سوی مردم و از طریق انتخابات آزاد و منصفانه تعیین می‌شود. در این نظام، شهروندان حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، انتخاب نمایندگان و بیان نظرات خود را دارند. دموکراسی بر اصولی مانند حاکمیت قانون، تفکیک قوا، حقوق بشر و آزادی بیان استوار است و هدف آن تضمین مشارکت عمومی و پاسخ‌گویی حاکمان است.

نتیجه‌گیری: ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی مختلف هر یک به شیوه‌ای متفاوت به موضوعات قدرت، مالکیت، آزادی و برابری می‌پردازند. این ایدئولوژی‌ها اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های اجرایی متفاوتی دارند که به شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و اقتصادی گوناگون در جوامع منجر شده‌اند.

۶. فاشیسم (Fascism):

ایدئولوژی سیاسی که بر تمرکز قدرت در دست یک دولت اقتدارگرا، ملی‌گرایی افراطی و سرکوب مخالفان تأکید دارد. فاشیسم معمولاً با رهبری کاریزماتیک و حمایت از برتری نژادی همراه است.

۷. ناسیونالیسم (Nationalism):

ایدئولوژی که بر وفاداری و تعلق خاطر به یک ملت تأکید دارد. هدف آن تقویت هویت ملی و حفظ منافع ملی است. گاهی می‌تواند به برتری‌طلبی ملی یا دشمنی با ملت‌های دیگر منجر شود.

۸. آنارشیزم (Anarchism):

ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی است که خواهان حذف کامل دولت، قدرت مرکزی و هرگونه ساختار اقتدارگرا است. آنارشیزم معتقدند که انسان‌ها می‌توانند بدون وجود دولت و نهادهای قدرت، به صورت خودگردان و داوطلبانه با همکاری و همبستگی زندگی کنند. اصول آنارشیزم شامل آزادی فردی، برابری، عدالت اجتماعی و خودمدیریتی است.

۹. سلطنت‌طلبی (Monarchy):

ایدئولوژی‌ای است که از نظام سلطنتی به عنوان شکل مشروع حکومت حمایت می‌کند و بر این باور است که پادشاه یا ملکه، معمولاً به صورت موروثی، باید در رأس قدرت باشد. این ایدئولوژی می‌تواند به دو شکل سلطنت مطلقه (قدرت کامل پادشاه)

۱. امپریالیسم (Imperialism):

ایدئولوژی و سیاستی است که به دنبال گسترش قدرت و نفوذ یک کشور بر کشورهای دیگر از طریق سلطه سیاسی، اقتصادی یا نظامی است. هدف اصلی امپریالیسم تسلط بر منابع طبیعی، بازارها و نیروی کار مناطق دیگر است.

۲. کاپیتالیسم (Capitalism):

نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رقابت آزاد در بازار است. در این نظام، کسب سود و انباشت سرمایه هدف اصلی فعالیت‌های اقتصادی است. دولت معمولاً نقش کمی در اقتصاد دارد.

۳. لیبرالیسم (Liberalism):

ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی که بر آزادی فردی، حقوق بشر، دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد تأکید دارد. لیبرالیسم به محدود کردن قدرت دولت و حمایت از حقوق فردی معتقد است.

۴. سوسیالیسم (Socialism):

نظام اقتصادی و سیاسی که در آن ابزار تولید و منابع اقتصادی در مالکیت عمومی یا دولتی قرار دارند و توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری اقتصادی از اهداف اصلی آن است.

۵. کمونیسم (Communism):

ایدئولوژی و نظامی که در آن مالکیت خصوصی لغو شده و همه منابع و ابزار تولید در اختیار جامعه قرار دارند. هدف اصلی برابری کامل اقتصادی و اجتماعی است. معمولاً با رهبری حزبی واحد و اقتصاد برنامه‌ریزی شده همراه است.



مکتب سیاسی

علی خضراب لیراوی

دانشجو





تحلیل جامع سریال معاویه از چهار منظر کلیدی

سریال معاویه با دست گذاشتن روی یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ اسلام، به اثری جنجال‌برانگیز در میان مخاطبان و منتقدان تبدیل شده است. از هنری‌ترین جزئیات تا پیام‌های سیاسی آن، این سریال بستری برای بررسی‌های عمیق‌تر فراهم کرده است. در این تحلیل، به چهار جنبه کلیدی شامل نقاط قوت و ضعف هنری، تحلیل تاریخی و تطابق با منابع معتبر، پیام‌های اجتماعی و سیاسی، و تأثیرات فرهنگی و واکنش‌های مخاطبان پرداخته‌ایم. در ادامه نقاط قوت و ضعف هنری می‌پردازیم. نقاط قوت: تولید بصری قوی: استفاده از نورپردازی دقیق و طراحی صحنه‌های تاریخی به شکلی حرفه‌ای، فضای تاریخی سریال را باورپذیر کرده است. موسیقی متن تأثیرگذار: ترکیب ملودی‌های سنتی و حماسی به تقویت فضای احساسی سریال کمک کرده است. نقاط ضعف: داستان‌پردازی تک‌بعدی: شخصیت‌ها فاقد عمق روان‌شناختی هستند و روایت به جای تمرکز بر پیچیدگی‌های واقعی تاریخ، به کلیشه‌ها متمایل شده است. بازیگری ناهماهنگ: برخی نقش‌ها نتوانسته‌اند احساسات واقعی را به مخاطب منتقل کنند و شکاف بین روایت و اجرا حس می‌شود. تحلیل تاریخی و تطابق با منابع معتبر: سریال در ارائه یک روایت تاریخی، گاهی از منابع معتبر فاصله گرفته است: تحریف روایت‌ها: بسیاری از وقایع تاریخی با نگاه شخصی و جهت‌دار بازنمایی شده‌اند، درحالی‌که روایت‌های معتبرتر، مانند منابع شیعی و سنی متعدد، تضادهایی با این بازنمایی دارند. غفلت از چندصدایی تاریخی: شخصیت معاویه در تاریخ اسلام دارای ابعاد مختلف است، اما سریال تلاش کرده تا تصویری یک‌جانبه ارائه دهد. توصیه: سریال می‌توانست با بهره‌گیری از منابع متنوع تاریخی مانند "تاریخ طبری"، "شرح نهج البلاغه" و "سیر اعلام النبلاء"، روایت جامع‌تری ارائه دهد. پیام‌های اجتماعی و سیاسی سریال معاویه نه تنها اثر هنری، بلکه حامل پیام‌هایی سیاسی و اجتماعی است: پیام‌های سیاسی: تأکید بر نقش سیاسی معاویه به عنوان یک شخصیت مقتدر، می‌تواند نوعی مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ورزی‌های مبتنی بر سازش و تسلط باشد. پیام‌های اجتماعی: سریال تلاش دارد ارزش‌هایی مانند تصمیم‌گیری استراتژیک و دیپلماسی را در ذهن مخاطب تقویت کند، اما این روایت یک‌جانبه ممکن است حساسیت‌هایی را ایجاد کند. تأثیرات فرهنگی و واکنش‌های مخاطبان عبارتند از: تأثیرات فرهنگی: ایجاد حساسیت‌های جدید: سریال به جای تلاش برای نزدیکی مذاهب اسلامی، شکاف‌های موجود را برجسته‌تر کرده است. الهام‌بخشی به نسل جوان: برخی جوانان را به کنجکاوی و بازنگری در تاریخ اسلام ترغیب کرده است. نقدهای گسترده در فضای مجازی: بسیاری آن را اثری سیاسی و تحریف‌آمیز خوانده‌اند، درحالی‌که عده‌ای نیز از آن به عنوان اثری خلاقانه دفاع کرده‌اند. بحث‌های علمی و فرهنگی: محققان و تحلیل‌گران از سریال به عنوان بستری برای نقد و بررسی تاریخ اسلام استفاده کرده‌اند.



«معاویه ملعون! اینکه می‌گویم

«معاویه ملعون» واقعاً باید گفت ملعون. یک نفر از نویسندگان سرشناس آلمان در اسلامبول به یکی از نویسندگان دانشمند مسلمان اینطور می‌گوید که ما باید مجسمه معاویه را طلا بگیریم و در شهرها بگذاریم. می‌گوید چرا؟ می‌گوید برای اینکه من در تاریخ اسلام مطالعه کردم. اگر معاویه در برابر علی قد غلم نکرده بود، اسلام الآن در همه عالم گسترده شده بود. راست می‌گفت اسلامی که علی می‌خواست اجرا بکند داشت به سرعت در سراسر زمین پیش می‌رفت. اسلامی که معاویه می‌خواست درست بکند، کاخ‌های کذایی درست کند، یزیدش چنان بکند و آن دیگری چنین بکند، این البته پیش نمی‌رفت. البته کسی نمی‌رفت به مسلمان‌ها نگاه کند؛ چون می‌دید معاویه مسلمان با امپراتور روم خیلی فرقی ندارد. (سید محمد حسینی بهشتی، در مکتب قرآن، ج ۵، ص ۲۲۹)



پلان
سمانه نصیریان





@fannos_iau



<https://iaushiraz.yek.link>



09909699367